



صدای ایران، رسانه متولد روزهای جنگ به شماره ۲۰۰ رسید

قصه همان است: اتحاد مقدس



سرمقاله

نباید این مسأله اصلی را از یاد برد و آن را به حاشیه براند. مقصر این وضعیت نه در بین ما که خارج از ماست و دقیقاً در مقابل ما. قصه صدای ایران در دویستمین شماره همان قصه شماره اول است؛ اتحاد مقدس! در این شرایط وضعیت، نخبگان وظیفه و ماموریت و تکلیفی به مراتب سنگین تر از مردم بر عهده دارند؛ از نخبگان اقتصادی برای باز کردن گره های معیشتی و نخبگان امنیتی برای در نطفه خفه کردن هسته های ضد امنیتی گرفته تا سیاسیون و تریبون دارانی که با غفلت از وضعیت موجود، فرعیات درجه چندم را تبدیل به مسائل اصلی نکنند، حریص شدن دشمن را ببینند و مایه شکاف و بدگمانی در ملت و دولت و حاکمیت نشوند. قصه همان است: اتحاد مقدس ■

ایران اسلامی به داخل کشور منتقل کند نه تنها به چرخه اختلاف و نزاع دامن زده بلکه با آدریس غلط دادن، بی مُزد و منت آب به آسیاب دشمن عبری و آمریکایی ریخته است و لیسوا که کارش نیت خیر و صورتی به ظاهر موجه داشته باشد. هیچ آبی نمی تواند ماهیت خدمت به طرح ناپاک ابلیس را پاک و این رفتار غلط را توجیه کند. چنین اقداماتی از نظر ماهیت، تفاوتی با منطق به نیت کردن قرآن در معرکه صفین ندارند که در هر دو، ترکیبی از غفلت و خیانت، صورتی موجه و مقبول را به استخدام سیرت ابلیس در آورده اند.

نقطه اصلی معضل و نزاع و نفاق نه داخل مرزهای ایران که بیرون از این آب و خاک است. هیچ منطق و تریبونی هم در تحلیل شرایط فعلی

حالا دیگر دشمنی و کینه شتری بیگانه بر همه عیان است. غریبه و بیگانه ای که برای طمع به این مُلک چنگ و دندان تیز کرده. قصه امروز این دیار، قصه این جریان سیاسی و آن جناح حزبی نیست بلکه قصه ایران است. آن سو و در برابر این کشور و مردم، اجنبی برای انداختن گسل میان مردم از یک سو و مردم و حاکمیت از سوی دیگر به دسیسه های شیطانی دخیل بسته. هر چند به مانند همه این سال ها ره به ترکستان می برد اما از این سو هم نباید دست به اقداماتی زد که هیزم به آتش تبلیغاتی و نیرنگ و طرح فریبکارانه او می ریزند.

در این شرایط هر صدا و ندا و زمزمه ای که ماهیت معضل و مشکل را از آن سوی مرزهای

صدای ایران به دویستمین شماره خود رسید. رسانه ای که در دل جنگ ۱۲ روزه متولد شد و به پاس و حرکت انسجام ملی ایران شکل گرفت. واقعیتی که حرمتش واجب است و شکرش مزید نعمت. از همین رو هم شماره اول، لایه پدافندی اصلی کشور را انسجام و همبستگی ملی اعلام کرد. قوتی اگر در دست و بازوی مدافعان است که هست، جدا از جهاد و تلاش رزمندگان و نیروهای مسلح از چشمه جوشان انسجام ملی و مردمی سیراب می شود. دستی که بر صورت دشمن متجاوز سیلی می زند به یمن اتکا به تار و پود درهم بافته همبستگی ملی ایرانیان است که در هنگامه تجاوز خارجی همه یک دل شدند. قصه هنوز همان قصه است با این تفاوت که

تشریح می کنیم از رهبر عزیزمان، که فرماندهی کل قوا را به عهده دارند؛ خیلی زود نیروها را جایگزین کردند بعد از شهادت سرداران ما و خیلی زود پاسخ دادند به اسرائیل جنایتکار و مرهمی بود بر دل های مؤمنین.

اللهم اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. خداوند بزرگ را شاکرم که این فرصت را به وجود آورد تا استکبار جهانی به وسیله نیروهای خودم جمهوری اسلامی ایران، خار و ذلیل شوند.

روزنامه صوت
یک هموطن ایرانی
خطاب به نیروهای
مسلح ایران

پناهگاه امن

رادینوگار

خانم ریحانه رحمانی پور
مدیرکل دفتر اجتماعی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

طبق آخرین بررسی ها، تمایل خانواده های ایرانی به افزایش تعداد فرزندان همچنان بالا باقی مانده است. آمارها نشان می دهند که درصد قابل توجهی از خانواده ها حتی تمایل به داشتن سه یا چهار فرزند دارند. در همین راستا، در بحران هایی مانند جنگ ۱۲ روزه، بیش از ۸۰ درصد از مردم در نظرسنجی اعلام کردند که در شرایط بحرانی به خانواده خود پناه برده اند و آن را مکانی امن برای یافتن آرامش انتخاب کرده اند. این آمار، گواهی بر اهمیت و نقش کلیدی خانواده در ساختار اجتماعی ایران است. با این وجود، این تمایل به افزایش تعداد فرزندان با محدودیت های فراوانی مواجه است. اگرچه خانواده ها همچنان خواهان فرزند بیشتر هستند، اما مشکلات اقتصادی، اجتماعی و موانع مختلف باعث شده است که این تمایل به سختی به واقعیت بپیوندد. بنابراین، ضروری است که سیاست گذاران به رفع این موانع بپردازند. جامعه ایرانی به خوبی از اهمیت خانواده آگاه است و تنها نیاز به تسهیل شرایط و رفع موانع برای تحقق این تمایل دارد.

تقدیر فرزندان ایران از حافظان ایران

قاب

جمعی از نوجوانان یزدی با اهدای گل به حافظان امنیت در سطح شهرو و سرمای زمستان، از تلاش های آنان برای حفظ آرامش قدردانی کردند.

پناه بی منت جان های زخمی

فرزند ایران

امدادگر داوطلب هلال احمر، آتش نشان و بسکتبالیست حرفه ای که همواره آماده کمک به مردم بود. (شهید یاسر زبوری) اهل اسدآباد استان همدان. همه می دانستند برای کمک سراغ یاسر بیایند دست خالی نمی روند، رسم زندگیش همین بود؛ دستگیری و کمک داوطلبانه. چند هفته پیشتر از تولد ۳۷ سالگی گذشته بود و خانواده سه نفره شان در انتظار تولد فرزند دوم. از نوجوانی با فعالیت های جمعیت هلال احمر آشنا شد و در اقدامات داوطلبانه و بشردوستانه شرکت می کرد. یک پایش در پایگاه امداد و نجات بود و پای دیگرش در پایگاه آتش نشانی. چند روزی از شروع جنگ ۱۲ روزه گذشته و او خسته از کار روزانه، با درخواست پایگاه، مجدد لباس خدمت به تن می کند و راهی می شود. اول تیر ماه ۱۴۰۴ است و شهر زیر تیررس موشک و مدافعان و امدادگران در میدان مشغول کمک رسانی. پس از چند انفجار پیدری، موشک به ماشین آتش نشانی اصابت می کند و امدادگران را بی جان و نیمه جان به هوا پرتاب می کند. مهربان بود و مجلس گرم کن، هم دلش بزرگ بود هم خنده هایش بلند. صداقت، شرافت و وفای به عهدش همچون مدال به گردن شخصیت متواضعش آویخته شده بود. ترکش ها به بدن نیمه جان او رحم نکردند و شهادت برایش مدال افتخار ابدی شد.

فخری خارجی حاجی